



حسنای قرآن خواندن را دوست دارد و
اسوره‌ی قرآن را حفظ کرده است. اوتاصدای اذان
رامی شنود، کار بسته بندی هدیه‌ها را کنار می‌گذارد و
سرموقع نمازش رامی خواند. آفرین، چه کار درست
و خوبی! اول نماز، بعد کار.



صدای در می‌آید. مهمان‌های عید غدیری
خانواده‌ی موسوی از راه می‌رسند. فائزه جان،
دختر همسایه است. برای حسناسادات یک
گل سرخ هدیه آورده است. آفرین به فائزه جان
که برای دوست ساداتش هدیه آورده است.



حالا نوبت پذیرایی ویژه‌ی جشن است.
حسناسادات بسته‌های عیدی را داخل
سینی می‌گذارد و به مهمانش عیدی
می‌دهد.



عید غدیر مبارک! عید غدیر شما
هم مبارک! بفرمایید، شما هم
هدیه بردارید!

باتشکر از عکاس محترم
مامان حسناسادات

